

بررسی مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله زده

مهدی طالب

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله زده و نیز نظام بازسازی مساکن و بناهای تخریب شده، در جریان وقوع زلزله، در سه دوره مختلف و در طول ۵۰ سال گذشته، بررسی شده است. واقع شدن بخش عمده‌ای از ایران روی کمربند زلزله سبب شده است که زلزله‌های ویرانگر در دهه‌های اخیر صدمات و خسارات بیشتری به مناطق روستایی و مردم روستانشین وارد کند. عدم استفاده از مصالح ساختمانی مرغوب و مستحکم از یک طرف و فقدان دانش مناسب برای احداث بناها از طرف دیگر موجب بروز خسارات فراوانی به ساختمانهای روستایی شده است.

در ۹۰ سال گذشته در ایران حدود ۹۰ بار زلزله نسبتاً شدید به وقوع پیوسته که تلفات انسانی آن بیش از دهها هزار نفر بوده است. برای نمونه در ۲۵ سال گذشته زلزله حدود ۶۰ هزار نفر از هموطنانمان را به کام مرگ برده است (عملکرد سال ۱۳۷۱ ستاد حوادث غیر مترقبه).

بازسازی مناطق آسیب دیده، خاصه در مناطق روستایی، همواره نیاز به کمک دیگران داشته است، زیرا روستاییان به هنگام بروز سوانح، به علت نامناسب بودن وضعیت اقتصادیشان و گرفتاریهای ناشی از مصائبی که به دلیل مصدومیت و یا فوت بستگان و عزیزان خود و ضرورت رسیدگی به امور مزرعه و... پیدا می‌کنند، نیازمند کمک و مساعدت دیگران می‌شوند. معمولاً دولت و یا مردم در این مواقع به کمک آنها می‌شتابند. تجربه بازسازی در این مقاله در سه دوره متمایز یعنی دوره آریاب و رعیتی، دوره پس از اصلاحات ارضی و دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در نهایت مشارکت روستاییان در زمینه بازسازی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت روستاییان، بازسازی مناطق زلزله زده، نقش دولت، مشارکت مردم.

مسئله اساسی

مقوله مشارکت با مفاهیم مختلفی به کار گرفته می‌شود. مشارکت مردم در پروژه و یا طرحهای عمرانی را شامل جریانی می‌دانند که مردم و یا مصرف‌کنندگان پروژه، نه تنها در کم و کیف تهیه آن نقش داشته باشند، بلکه امکان حضور حتی غیر رسمی آنها در جریان عملیات اجرایی را جزء استراتژی‌های مشارکت قلمداد می‌کنند (پیتر شوبلر ۱۹۹۶، ص ۲).

در مورد مشارکت مردم در جریان بروز حوادث طبیعی اگر مشارکت خود حادثه دیدگان را مدنظر داشته باشیم، می‌توان آن را در مراحل مختلف از مرحله پیشگیری و همکاری در کاهش خطر، مرحله آمادگی برای امداد، مرحله نجات و امداد، مرحله بازگشت به وضعیت عادی و اسکان موقت، تا مرحله بازسازی دانست. از آنجاکه در این مقاله موضوع مشارکت در بازسازی مورد نظر است (هایز والتر ۱۹۹۱، ص ۴۶)، مشارکت روستاییان به معنای حضور آسیب دیدگان از زلزله، در بازسازی و یا نوسازی مساکن و ابنیه خود است. از آنجاکه روستاهای کشور، در چهار دهه گذشته، دچار تحولات عظیمی شده است، لذا سؤال اصلی چگونگی مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله‌زده در سه دوره متمایز است:

- دوره ارباب و رعیتی (قبل از اجرای اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰)

- دوره حضور دولت در روستا (از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی ۱۳۴۱ - ۱۳۵۷)

- دوره انقلاب اسلامی (از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون)

ویژگی دوره‌های مزبور ناشی از ساختار موجود سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی در هر دوره است. حضور دولت در روستاها، مدیریت روستایی را دچار تحول اساسی کرد و شیوه‌های مشارکت را به طور کلی - به دلیل حضور مؤسسه‌ها و نهادهای وارداتی به روستا مثل تعاونی و مشارکت در بازسازی مسکن تخریب شده یا آسیب دیده در اثر زلزله را به طور اخص دچار تغییرات اساسی کرد.

در هر سه دوره نقش چهار عامل اصلی یعنی مالک، روستاییان، دولت و نهادهای مدنی در بازسازی مناطق زلزله‌زده بررسی شده است.

شیوه بررسی

این مقاله با تکیه به اسناد و مدارک موجود و برخی از بررسیهایی که مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی انجام داده و نیز مطالعات اقتصادی و اجتماعی که در قالب طرح مطالعاتی UNDP تحت عنوان طرح بسیج، توان بسیج فنی کشور برای مقابله با زلزله، در مرکز مقابله با حوادث طبیعی (وابسته به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) زیر نظر نگارنده انجام شده، تهیه گردیده است. به علاوه از نتایج مطالعه‌ای که در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در زمینه مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله‌زده به مدیریت اینجانب صورت گرفته، در دوره سوم بازسازی استفاده شده است.

دوره اول: بازسازی مناطق زلزله‌زده تا دهه ۱۳۴۰

از عمده‌ترین زلزله به وقوع پیوسته تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی و در زمانی که روستاها تحت مدیریت مالکان بزرگ بوده است، می‌توان از زلزله فارسینج همدان (سال ۱۳۳۶) و زلزله بوئین زهرای قزوین در آغاز این دهه و... نام برد. تا قبل از دهه ۱۳۴۰، مالکان علاوه بر تملک عوامل اساسی تولید مثل آب و زمین، مالک عرصه و اعیان روستا نیز بودند و مدیریت روستایی را نیز به عهده داشتند.

روستا واحدی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به دلیل نوع معیشت و محدودیت جمعیت و توازی فعالیت‌ها، در آن نوعی آمیختگی امور مختلف زراعی، باغداری، دامداری، صنایع دستی و صید و شکار به چشم می‌خورد. ادغام مسائل مختلف در روستا، موجب تنیدگی امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در قالب خانواده به عنوان اصلی‌ترین سلول اجتماعی شده است. رابطه خانوادها در ساختار قومی و طایفه‌ای محلی بیشتر رابطه‌ای افقی بوده و در رأس روابط عمودی مالک قرار داشته است که بر امور مختلف زندگی روستایی، اعم از اقتصادی و اجتماعی، فرمان می‌راند. از طرف دیگر رابطه مالک با رعیت با هیچ یک از روابط اقتصادی شناخته شده جامعه شهری همخوانی و تشابه ندارد، به این ترتیب که زارع مثل مستأجر و یا کارگر نبوده، اشتغال او در زراعت از طریق نسق زراعی، مالک را وامی‌داشته تا مسکن او را نیز تأمین کند، با دادن تقاوی به او این امکان را برای او به وجود می‌آورد تا بتواند دام کار و یا تعدادی گوسفند و بز فراهم کند، زیرا که دامداری محدود برای زارع

جزء جدایی ناپذیر زندگی محسوب می شده است. در اقتصاد بسته آن زمان زارع می بایست با کار خود و اعضای خانواده اش روی زمین زراعی مایحتاج خانواده را تأمین کند. اراضی محدوده روستا، اعم از زمین های زراعی و غیر آن، در تملک مالک بود و عرصه و اعیان روستا به او تعلق داشت. ساخت مساکن در داخل قلعه و یا در بیرون آن با مشارکت و به بیگاری گرفتن روستاییان صورت می گرفت. تشکیل خانواده جدید در روستا مستلزم همکاری خویشان و همسایگان در تأمین خشت و چوب و تأمین نیروی کار برای ساخت خانه بود. وقوع زلزله در آن دوره به مساکن روستاییان آسیب های فراوان وارد می آورد و معمولاً با تلفات و خسارات زیاد همراه بود، زیرا در احداث مساکن روستاییان کمتر از مصالح مقاوم و نیروی کار کاردان استفاده می شد. بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵، ۹۲ درصد از ساختمانهای روستایی از مصالح کم دوام و یا بی دوام ساخته شده بود. همان طور که اشاره شد مالکیت عرصه و اعیان ده به طور کلی، از جمله ساختمانهایی که در اختیار روستاییان بود، از آن مالک بود.

مساعدت و کمک مردم شهرها و یا روستاهای دیگر بیشتر در دوره امداد اولیه برای نجات مجروحان و مصدومان، تکفین و تدفین کشته شدگان، تأمین سرپناه موقت برای بازماندگان، و تأمین وسائل اولیه زندگی و مواد غذایی بود. هلال احمر (شیر و خورشید سرخ در آن دوره) وظیفه رسیدگی به زلزله زدگان را به عهده داشت. بازسازی ابنیه و مساکن روستاییان، راههای روستایی و... با دولت بود. دولت کمکهای خود را، بنا بر حجم خسارات، در اختیار هلال احمر یا وزارت کشور قرار می داد و این سازمانها بازسازی را به عهده می گرفتند. در زلزله فارسینج همدان هلال احمر با مالکان مناطق روستایی وارد مذاکره شد و با آنها برای بازسازی مسکن ویران شده قرارداد پیمانکاری منعقد کرد. زیرا نه تنها مالک در روستاها مالک اراضی و امکانات تولیدی بود، بلکه خود او یا نماینده اش در روستا تصمیم گیرنده هم بود (طالب ۱۳۷۳، ص ۸۸). آواربرداری، تعیین محل ساخت مساکن، نوع مصالح و... با مالک بود. دیدگاه حاکم عبارت بود از بازسازی و تأمین سرپناهی برای خانواده رعیت و از دیدگاه بهسازی و یا نوسازی و یا نگرشهای توسعه ای خبری نبود. مالک در احداث واحدهای تخریب شده نه تنها شیوه و معماری متداول روستا را رعایت می کرد بلکه از خود روستاییان نیز بیگاری می گرفت. تنها تغییری که در ایجاد این واحدها رعایت می شد، ساخت سری (مدولار) مساکن و استفاده از در و پنجره مناسب و... بود که این امور نیز بنا به توصیه دولت صورت می گرفت ولی به هر صورت

بازسازی ابنیه تخریب شده تغییر عمده‌ای در فضا و ترکیب روستا ایجاد نمی‌کرد. احداث راه‌های روستایی آسیب دیده و یا حمام، مسجد و سایر تأسیسات رفاهی و عمومی روستا را نیز در قالب همین شیوه بازسازی مالکان انجام می‌دادند و دولت هم به مالکان کمک می‌کرد.

اگر بیگاری گرفتن از روستاییان را، اعم از روستاییان آسیب دیده و یا سایر روستاییان ساکن نقاط دیگر، مشارکت بنامیم، می‌توان گفت که تا قبل از حضور دولت در روستاها، مقوله بازسازی نقاط زلزله‌زده روستایی مشکلی برای دولت به حساب نمی‌آمد و مالکان با دریافت کمک از دولت، خود با بهره‌گیری از مشارکت روستاییان با این مهم اقدام می‌کردند (شهبازی ۱۳۸۰، صص ۳۷ - ۳۶).

دوره دوم: بازسازی مناطق روستایی بعد از دهه ۱۳۴۰

زلزله بوئین زهرا در سال ۱۳۴۱ و در بحبوحه اصلاحات ارضی و شروع تغییرات اساسی در جامعه روستایی کشور به وقوع پیوست... عمق و گستردگی سانحه از یک طرف و حرکت نهادهای مدنی در آن دوره و نیز تبلیغات دولت موجب جلب مشارکت مردم نه تنها در دوره امداد و اسکان موقت بلکه حتی در بازسازی مناطق آسیب دیده از زلزله شد.

به عبارت دیگر به دلیل تبلیغاتی که دولت در زمینه اجرای قانون اصلاحات ارضی و حذف مالکان از روستاها انجام می‌داد، ناچار بود با توجه به ضعف امکانات و حضور گسترده نداشتن در مناطق روستایی، ابتکار عمل بازسازی و امداد را در دست بگیرد، به این ترتیب سازمانهای دولتی برای اولین بار با عقد قرارداد پیمانکاری وارد صحنه بازسازی مناطق روستایی شدند.

سازمانهای بین‌المللی و برخی از دولتهای خارجی، به همراه سازمانهای صنفی و مردمی به امداد زلزله‌زدگان شتافتند و در بازسازی مناطق آسیب دیده نقش ایفا کردند، اما شیوه‌های مورد استفاده برخی از این گروه‌ها، نظیر شیوه دولتی - استفاده از مقاطعه کاران شهری و نادیده گرفتن مشارکت روستاییان حادثه دیده در همه زمینه‌ها - بود.

هلند که یکی از کشورهای کمک‌کننده در برخی از روستاها از جمله دوزج در بخش خرقان ساوه بود، اقدام به ایجاد کامل روستا کرد و علاوه بر مسکن روستاییان، نسبت به احداث ابنیه عمومی و ساختمانهای مورد نیاز تولید کشاورزی اقدام کرد. با اینکه اقدامات دولت مزبور در این مناطق نمونه را تحسین برانگیز بود، اما با شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی روستایی

ایران، منطبق نبود و بافتِ احداثی در بافت موجود روستا گم شده بود، به نحوی که بازشناسی ساختمانها و بافت‌های احداث شده در هنگام زلزله به آسانی میسر نبود... (فضیله خانی ۱۳۶۹، ص ۴۱۵).

در این دوره از بازسازی مناطق زلزله‌زده برای اولین بار کارشناسان و متخصصان ساختمان در احداث بناهای خسارت دیده نقش داشتند. به همین دلیل کارشناسان داخلی و خارجی هر یک طرحی نو برای بازسازی ریختند ولی اغلب آنها ساخت مسکن سری سازی و ردیفی (مدولار) و بیرون از بافت قدیمی را توصیه می‌کردند - زیرا آواربرداری و درجا سازی با تکیه بر معماری سنتی برای آنها نه میسر بود و نه مقبول. در بسیاری از روستاها دولت با تهیه طرح و نقشه بعضاً با فاصله‌ای بعید با استفاده از الگوهای مسکن روستایی، و با رعایت نکات بهداشتی (مثل دور کردن آغل‌ها از محلهای مسکونی، جدا کردن راههای ورود و خروج دام و انسان، مسکن منظم و با اتاقهای متعدد رو به قبله، پنجره برای استفاده از نور و...) اقدام به احداث مسکن کرد. پیمانکاران اغلب شهری بودند و ساختمانها را پس از احداث در اختیار دولت قرار می‌دادند تا بر اساس ضوابطی که تعیین شده بود بین زلزله‌زدگان توزیع کنند.

تجربه بازسازی در زلزله بوئین زهرای قزوین از لحاظ حضور برخی انجمن‌ها و یا نهادهای مدنی، کشورهای خارجی، و دولت با همکاری پیمانکاران در جامعه روستایی حاوی نکات جالبی است که جامعه‌شناسان روستایی و مردم‌شناسان به آن اشاره کرده‌اند. از مهمترین اشکالات این مداخله عدم تناسب بین مسکن ایجاد شده و فرهنگ روستایی بود که در مواردی روستاییان تغییرات اساسی در آنها دادند و یا آن را نپذیرفتند و به تدریج به ویرانه‌ای تبدیل شد. در سالهای پس از اصلاحات اراضی تا پیروزی انقلاب اسلامی چند زلزله در کشورمان رخ داده است از جمله زلزله فردوس و طبس در سال ۱۳۴۷ و متعاقب آن زلزله گلباف کرمان و... در این دوره دخالت دولت در امر بازسازی اجتناب‌ناپذیر بوده است.

بررسی‌های مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در جریان بازسازی‌ها و دولت (سازمان مسکن) در زلزله فردوس و طبس حاکی از آن است که برنامه‌ریزان و مسؤولان دولتی بدون مشورت و نظرخواهی از حادثه دیدگان، اقدام به احداث واحدهای مسکونی در اراضی زراعی و بایر موقوفه و... کرده‌اند. برخی از مردم که با طرح و نقشه دولت موافق نبوده‌اند در نقاط دیگر و عمدتاً در درون باغهای خود، خانه ساخته‌اند. مسکن احداثی دولت با استفاده از نقشه‌های سازمان مسکن به صورت مدولار (پیوسته به یکدیگر و به صورت چند ردیف به مراتب یکدیگر) ساخته شده و بخشهای آماده شده را دولت حدود ۱۵ ماه پس از زلزله به

حادثه دیدگان واگذار کرده است. واحدهای دو اتاقه را، حدود ۱۲۳ هزار، سه اتاقه را ۱۶۶ هزار، چهار اتاقه را ۲۰۳ هزار و ۵ اتاقه را ۲۸۵ هزار ریال قیمت‌گذاری کرده‌اند. در محاسبه قیمت‌ها، هزینه‌های مربوط به بالاسری و هزینه‌های خدمات رفاهی و شهری را در نظر نگرفته‌اند و تنها برای حدود یک پنجم خانواده‌های حادثه دیده مسکن ساخته‌اند. در نحوه ساخت و ساز، معماری مسکن، ترکیب نیروی کار شاغل در خانه‌سازی، ترتیب احداث، محل احداث و... از نظر مردم و رهبران محلی آنها استفاده نکرده‌اند و به این ترتیب مسائل و مشکلاتی پدید آمده است که بعداً به آن اشاره خواهد شد (پرهام ۱۳۴۹، صص ۲۹-۲۳).

اگر مساعدت‌های مردمی را در مرحله امداد و یا اسکان موقت و حتی بازسازیها را در نظر بگیریم* نتایج و دستاوردهای اقدامات دولت در این موارد و سایر موارد بازسازیهای ناشی از حوادث طبیعی را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱) در بازسازیها و نوسازیهای انجام شده نه تنها دیدگاه توسعه‌ای به کار گرفته نشده بلکه در مواردی خانه‌سازیها موجب اشغال بخشی از زمینهای زراعی، و جابه‌جایی محل روستا شده است.

۲) باز شدن پای شهرساز و معمار به روستا و احداث مسکنی مغایر با معیشت مردم برای نمونه روستای «استاد»، شهرهای جدید الاحداث «سیم»، «خضری»، «دشت بیاض» و... موجب پدید آمدن دوگانگی در ترکیب مسکن و مصالح به کار رفته در روستا شده است.

۳) به جای تقویت منابع مالی روستا، پولها در اختیار پیمانکاران شهری قرار گرفته و آنها نیز با فراهم آوردن مصالح و نیروی کار از نقاط شهری حتی از به کار گرفتن کارگران محلی خودداری کرده‌اند. در واقع از کمکهای دولتی تنها ابعاد فیزیکی خانه‌های احداث شده به روستا رسیده است که آنها با نوع معیشت و ساختار کلی روستا در تعارض بوده است.

* در این قسمت به بخشی از گزارش "نظری به اقدامات نوسازی در مناطق زلزله‌زده..." اثر باقر پرهام (۱۳۴۹) اشاره می‌شود: وی پس از بررسی اقدامات مردم که با کمک روحانیت و به همت خودشان انجام شده، منطقه اسلامی را که به این ترتیب ساخته شده مطالعه کرده و می‌نویسد: "... با توجه به مطالبی که درباره تجدید بنای مرغش توسط روحانیون خراسان بیان گردید، می‌توان نموداری از الگوی خودیاری مردم در زمینه عمران و نوسازی باشد. مهمترین وجه تمیز این الگو، سرعت عمل، حل فوری مسأله مسکن با برداشتی ساده و ازیان قیمت و به صورتی متناسب با معیشت عادی و فرهنگ معنوی مردم، توجه اساسی به موارد عام‌المنفعه و عدم سرمایه‌گذاری کلان در سطح تک تک خانوارهاست. این روش مردم زلزله‌زده را به سرعت از عوارض بی‌خانمانی نجات می‌دهد، توقع دستگیری شدن را در آنها ایجاد نکرده بلکه برعکس حس همدردی و تعاون

۴) طولانی شدن دوره ساخت و ساز که در مواردی به بیش از دو سال پس از وقوع زلزله رسیده است و برخی از آنها نیز به دلایل مختلف هنوز پایان نیافته است. بی سامانی روستاییان، و عدم تناسب واحدهای احداثی با معیشت آنها، زیرا خانه‌ها را به صورت سری‌سازی کنار یکدیگر و بدون پیش‌بینی فضاهای لازم برای توسعه آبی و فعالیتهای کشاورزی، به صورت شهری و با ملاک اتاق خواب یک، دو، یا... اتاق ساخته‌اند.

۵) رعایت نکردن نکات ایمنی و مستحکم سازی، زیرا نیمی از مساکن در دست احداث با وقوع زلزله سال ۱۳۴۸ شکاف برداشتند، و بقیه مساکن احداثی در جنوب خراسان در زلزله دو سال قبل ویران شدند*.

۶) ناهماهنگی بین سازمانهای دولتی مأمور بازسازی منطقه - در آن زمان وزارت اصلاحات اراضی، سازمان مسکن، وزارت کشور، اداره مهندسی ارتش - که مجری و ناظر بودند و در منطقه حضور داشتند و برداشتهای متفاوتی که از روستا و مقوله بازسازی داشتند.

۷) عدم هماهنگی در نرخ و چگونگی واگذاری مساکن احداث شده، به این ترتیب که هر سازمان به گونه‌ای متفاوت با دیگران عمل می‌کرد. برخی مساکن احداثی را به روستاییان واگذار کردند و برخی به اجاره ده ساله و...

۸) عدم احداث مسکن برای برخی از حادثه دیدگان در پاره‌ای از روستاها، به دلایل مختلف از جمله محدود بودن تعداد آنها، تخلف پیمانکار، اعتقاد به ضرورت انتقال آنها به روستاهای بزرگتر همجوار و...

۹) و بالاخره در یک جمله می‌توان نتیجه بازسازیهای دولتی - اداری را به صورت زیر بیان کرد: "دست بردن در ترکیب یک مجموعه اقتصادی - اجتماعی هماهنگ و برهم زدن اجزای آن بدون جایگزین ساختن عناصر عمل‌کننده مناسب در مجموعه" (تلخیص از گزارش پرهام و...). در جمع‌بندی فعالیت‌های دولت به هنگام بروز حوادث تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، عمدتاً مشارکت مردم را در اداره کمکهای نقدی و جنسی برای تأمین زندگی حادثه دیدگان می‌دانستند و از شیوه‌های زیر برای این مهم استفاده می‌کردند:

- هلال احمر و یا مؤسسه‌های دیگر افتتاح حساب بانکی را برای دریافت کمکهای نقدی به اطلاع مردم می‌رساندند.

*. ویرانی مسکن واگذاری دولت به روستاییان زلزله‌زده جنوب خراسان کار ساخت و ساز و بازسازی زلزله اخیر را با دشواریهایی مواجه ساخته

- مبلغی (یک یا چند روز حقوق) از کارمندان دولت و یا کارگران که حسابداریهایی مربوط جمع‌آوری و به حساب واریز می‌کردند.

- چادرهایی در گوشه و کنار شهرها، به ویژه در نزدیکی مساجد، برای جمع‌آوری کمکهای نقدی و جنسی مردم برپا می‌کردند.

کمکهای گردآوری شده غالباً در مرحله امداد مورد استفاده قرار می‌گرفت و چیزی برای دوره بازسازی نمی‌ماند. لذا بازسازیها را با تخصیص بودجه‌های دولتی، دولت به کمک سازمان هلال احمر و یا سازمان مسکن، وزارت کشور و بعضاً با استفاده از نیروهای نظامی (اداره مهندسی ارتش) به عهده می‌گرفت.

مردم خود با استفاده از نهادهای مدنی موجود مثل انجمن‌های صنفی و یا هیأت‌های مذهبی و یا... کمکهای خود را بعضاً مستقیم به حادثه دیدگان تحویل می‌دادند و حتی در مواردی روحانیت و سازمانهای صنفی به مدد روستاییان برای بازسازی مسکن آسیب دیده می‌شناختند.

در واقع سوای دوره امداد اولیه که معمولاً با کمک و حضور مردم صورت می‌گیرد، دولت در زمینه بازسازی به مقوله مشارکت آسیب دیدگان عنایت نداشته و با عقد پیمانهای ساخت و ساز نسبت به احداث مسکن اقدام و مسکن احداث شده را بنا به دستورالعملهایی به حادثه دیدگان واگذار می‌کرده است.

دروه سوم: بازسازی مناطق روستایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسسه‌ها و نهادهای مختلفی در روستاهای کشور به فعالیت پرداختند، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که ابتدا برای تأمین مسکن محرومان پدید آمد و اقداماتی را در شهرها به عهده گرفت، به دلیل خودجوش بودن و تشکیل آن در هر استان و منطقه بعد از صدور پیام ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ حضرت امام (ره) به فعالیتهای مختلفی مبادرت کرد. به طور مثال در منطقه قاین و طبس به دلیل ناتمام ماندن کار بازسازی زلزله قبله، بنیاد به بازسازی واحدهای مسکونی تخریب شده در سال قبل اقدام کرد و سعی کرد با بهره‌گیری از کارشناسان نسبت به طراحی و اجرای ساختمانهای مستحکم و استفاده از مصالح بومی اقدام کند (طالب ۱۳۷۸، صص ۲۱-۱۸).

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از حدود سال ۱۳۶۶ به دلایل مختلف از جمله لزوم رسیدگی به وضعیت روستاهای کشور و جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده به شهرها، فعالیتهای خود را در

روستاهای کشور متمرکز کرد. در تدوین اساسنامه این نهاد انقلابی که به مثابه سازمانی غیر دولتی فعالیت می‌کند، مجلس شورای اسلامی تهیه و اجرای طرح‌های هادی، و بهسازی مسکن روستایی را گنجاینده است. با اینکه از آغاز فعالیت خود به مسائل بازسازی مسکن روستاییان، متعاقب بروز حوادث طبیعی، پرداخته است (طالب ۱۳۷۳، ص ۲۳)، با این همه فعالیت این نهاد در بازسازی مناطق جنگ‌زده و نیز بازسازی مناطق آسیب دیده از سیل فارس و... که طبق فرمان رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) به بنیاد محول شد و اقداماتی که عمدتاً از سال ۱۳۶۷ در مناطق سیل‌زده، جنگ‌زده و زلزله‌زده در زمینه بازسازی به عهده گرفته بود، شیوه‌ای از بازسازی را با مشارکت مردم روستا مطرح کرد.

وقوع زلزله رودبار در ۳۱ خرداد ۱۳۶۹، بنیاد را که تجارب ارزنده‌ای از کار در مناطق روستایی اندوخته بود، واداشت تا هنگامی که سازمانهای مختلف دولتی درگیر مراحل امداد و اسکان موقت زلزله‌زدگان بودند، برنامه بازسازی را تدوین و به تصویب هیأت وزیران برساند. این برنامه در واقع بر اساس تجربه‌ای تنظیم شده بود که در طی سالهای فعالیت بنیاد در مناطق زلزله‌زده جنوب خراسان، سیل و رانش زمین در نقاط مختلف کشور و از همه مهمتر تجربه مناطق جنگ‌زده که با نوعی آزمایش و خطا همراه بود، حاصل شده بود.

نظام بازسازی مناطق آسیب دیده از زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹

برنامه بازسازی منطقه آسیب دیده را بنا بر اصول پیشنهادی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

- بخش خدمات عمومی و زیربنایی که بازسازی و نوسازی آنها به عهده بخش‌های مربوط گذاشته شد.

- بخش ساختمانها و مساکن تخریب شده در نقاط شهری و روستایی.

از آنجا که بازسازی و نوسازی بافت و مسکن شهرها و روستاهای آسیب دیده از زلزله را وظیفه بنیاد مسکن قرار دادند و نیز با توجه به تمرکز مقاله بر مساکن روستایی، در این قسمت صرفاً به بازسازی مساکن روستاییان پرداخته می‌شود.

هدف بازسازی

در برنامه مصوب مورد هدف آمده است:

SID.ir بازسازی و نوسازی بافت و مسکن شهرها و روستاهای آسیب دیده از زلزله در اسرع وقت

در چارچوب تواناییهای ملی و مردمی در جهت به جریان انداختن دوبارهٔ حیات در شهرها و روستاهای زلزله‌زده و بازگرداندن سانحه دیدگان به محیط زندگی خودشان و فراهم آوردن زمینهٔ اشتغال، تولید و جمعیت خاطر آسیب دیدگان..."

ویژگیهای این برنامه عبارت است از:

۱) در برنامهٔ مصوب بازسازی و نوسازی هر دو مورد نظر بوده است. روستاهای ویران شده نیاز به نوسازی داشتند و مراد این بود که با اغتنام فرصت به اصلاح و تغییر بافت فیزیکی برخی از روستاها اقدام شود.

۲) به مشارکت مردم اعم از حادثه دیدگان و مردم ساکن نقاط دیگر توجه شده است. و به طوری که ملاحظه خواهد شد، این موضوع از محورهای نظام بازسازی محسوب می‌شده است.

۳) تکیه بر جملهٔ «به جریان انداختن دوبارهٔ حیات در شهرها و روستاهای زلزله زده و بازگرداندن سانحه دیدگان به محیط زندگی خودشان» را می‌توان بر درجاسازی و تأکید بر بازسازی در همان محیط طبیعی و اجتماعی قبلی تعبیر کرد، مگر آنکه ویژگیهای ژئو تکنیکی زمین حکم به جابه‌جایی روستا بدهد.

۴) تکیه بر «فراهم آوردن زمینهٔ اشتغال، تولید و جمعیت خاطر آسیب دیدگان» را می‌توان تأکید بر بازسازی فیزیکی به منزلهٔ پیش نیاز فعالیتهای تولیدی مطرح کرد.

۵) به برنامهٔ توسعه و نوسازی به معنای وسیع کلمه توجه شده است.

سیاستهای مالی

در تنظیم سیاستهای مالی، دولت به نکات زیر توجه کرده است:

«الف) به حداقل رسانیدن سرمایه گذاری دولتی در بخش مسکن و معطوف کردن این سرمایه‌ها در بخشهای تولیدی و سایر قسمتهایی که امکان برگشت سرمایه را فراهم آورد؛

ب) دولت در جهت تقویت بنیهٔ مالی آسیب دیدگان به طرق زیر کمک خواهد کرد:

- در اختیار گذاردن امکانات و اعتبارات مالی به صورت کمکهای دولت به منظور احداث

مسکن در حد ایمنی و پایداری و پوشش سقف در روستاها به مقدار ۵۰ متر مربع؛

- در اختیار گذاردن امکانات و تسهیلات وام بانکی با کارمزد کم، برای تکمیل و توسعهٔ

مسکن آسیب دیدگان؛

- ایجاد اشتغال و کسب درآمد برای آسیب دیدگان؛

- توجیه سایر هموطنان در کمک به آسیب دیدگان از زلزله و هدایت این کمکها به مناطق

آسیب دیده؟

ج) سرمایه گذاری دولتی در بخش تأسیسات زیربنایی و خدمات عمومی.

د) سرمایه گذاری دولتی در آن دسته از خدمات فنی مربوط به مسکن که آسیب دیدگان توان انجام دادن را ندارند، مانند تسطیح و آماده سازی زمین، تدارک مصالح تولید و انتقال آن به پای کار و نظارت فنی بر ساخت و ساز و طراحی و... (بنیاد مسکن ۱۳۷۰، ص ۳).

با توجه به سیاستهای مزبور می توان چنین نتیجه گرفت که دولت، کمکهای خود به بازسازی را از سه طریق انجام می دهد:

۱) پرداخت تسهیلات به حادثه دیدگان با کارمزد کم، که این وظیفه را بانکهای مختلف با معرفی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عهده دارند.

۲) پرداخت هزینه های مربوط به امور زیربنایی که در جریان زلزله آسیب دیده اند و نیز تأمین بودجه های لازم برای بازسازی و اصلاح نظام آبیاری، تعمیر راههای روستایی، پل ها، شبکه برق رسانی، آب آشامیدنی و... که سازمانهای مربوط تقبل می کنند.

۳) پرداخت هزینه های خدماتی، در جهت تسهیل بازسازی و تعمیر مسکن آسیب دیده به بنیاد مسکن که نهادی انقلابی و غیر دولتی است.

در مورد چگونگی بازسازی مساکن روستاییان زلزله زده می توان عوامل مؤثر در احداث واحدهای مسکونی را در چهار مورد زیر خلاصه کرد:

الف) منابع مالی مورد نیاز: تسهیلات بانکی که با معرفی بنیاد مسکن در سه قسط و متناسب با پیشرفت کار و رعایت نکات ایمنی و فنی تأمین و با اقساط بلند مدت از روستاییان دریافت می شود.

ب) مصالح ساختمانی: مصالح ساختمانی مورد نیاز را، با توجه به توصیه های فنی بنیاد مسکن، با رعایت نکات فنی بنیاد به صورت یکجا تهیه می کند و با دریافت هزینه های مربوط از روستاییان در روستا و پای ساختمان تحویل می دهد.

ت) اجرا یا ساخت و ساز: احداث بنا به عهده روستاییان گذاشته شده که در محل قبلی و یا محلی که در طرح هادی روستا به تأیید کارشناسان بنیاد رسیده است، با استخدام نیروی کار ماهر و بهره گرفتن از نیروی کار اعضای خانواده و یا سایر خویشان به عهده رئیس خانوار زلزله زده است. در مورد افراد مسن و یا بی سرپرستان، بنیاد رأساً اقدام می کند، لیکن در محل قبلی و یا مورد نظر متقاضی.

نظارت فنی و رعایت نکات ایمنی: به کارگیری مصالح مناسب و توصیه های فنی به

منظور مستحکم سازی و حتی طراحی ساختمان را نظام بازسازی به عهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گذاشته است. بنیاد با احداث کارگاهها و ستادهای لازم در مناطق روستایی و استفاده از نیروهای کارشناسی این مهم را انجام می دهد.

سیاستهای مدیریت ساخت و مشارکت مردم

نکته مهم در بازسازی و اگذاری امر ساخت و ساز به مردم آسیب دیده است، نکته ای که مسبق به سوابق قبلی نیست و لذا از این بابت قابل توجه محافل کارشناسی است. در برنامه بازسازی در این مورد آمده است:

الف) مدیریت ساخت واحدهای مسکونی آسیب دیده در زمینه های تدارکاتی، طراحی و اجرایی به عهده صاحب خانه می باشد و نقش دولت، عبارت است از مشارکت با صاحب خانه در اموری که وی به تنهایی قادر به انجام دادن آن نیست و همچنین هدایت و نظارت در برنامه های اجرایی به گونه ای که کار بازسازی در کمترین زمان، با مناسبترین کیفیت و با حداقل مشکلات و تنشهای اجتماعی به انجام رسد.

ب) دولت در بازسازی مناطق زلزله زده شرایطی را فراهم خواهد آورد تا نیروهای داوطلب سایر نقاط در کلیه سطوح تخصصی (از کارگر ساده تا مراکز تحقیقاتی) بتوانند در قالب گروههای کار و تحت نظارت مجری برنامه در بازسازی مناطق زلزله زده شرکت نمایند.

ج) مجری برنامه موظف است تشکیلات خود در مناطق زلزله زده را طی برنامه ای مشخص و به صورت مستمر تقویت نماید... لذا در بازسازی مناطق زلزله زده نیازی به ایجاد دستگاههای غیر رسمی و... که در آینده خود معضلی برای استان می شوند، نخواهد بود.

به این ترتیب بنیاد مسکن با اعزام کارکنان بنیادهای استانی دیگر اقدام به تشکیل ستادهای معین بازسازی کرد و بازسازی را به مدد نیروهای معین به عهده گرفت. با کمک گرفتن از ۱۶ استان، اقدام به تشکیل ۱۷ ستاد معین کرد و استان گیلان که یکی از ستادها بود وظایف بازسازی در شهرهای رودسر، لاهیجان و... را به عهده گرفت.

بنیاد با انجام بررسیهایی در سطح کلیه روستاهای حادثه دیده روستاها را به چهار گروه دسته بندی کرد:

- روستاهایی که به دلیل ویرانی و از بین رفتن و یا قرار گرفتن در محل های نامناسب باید جابه جا شوند.

روستاهایی که در آنها شدت ویرانی بالا بوده و نیاز به نوسازی دارند، برای این دسته از

روستاها نیاز به تهیه طرح هادی بوده و لذا اقدامات لازم برای تهیه طرح شروع شد.
- روستاهایی که نیاز به اصلاح و تعویض معابر دارند، تعدادی از مسکن ویران شده ولی روستا کاملاً از بین نرفته است. مجوز ساخت و ساز در این روستاها باید پس از تهیه طرح تعریض و اصلاح معابر داده شود.

- روستاهایی که خسارت کلی نداشته‌اند و لذا بیشتر مسکن نیاز به تعمیر و مقاوم سازی دارند، در عین حال برخی از مسکن تخریب شده باید بازسازی می‌شوند.

در زلزله رودبار، پس از امداد اولیه، دوره‌ای برای اسکان موقت در نظر گرفته شد به طوری که در ظرف سه ماه تابستان حداقل یک اتاق با رعایت اصول مهندسی احداث شود. این وظیفه را طبق شرایطی ستادهای معین استانداریها به عهده گرفتند و کار بازسازی از مهر ماه سال ۱۳۶۹ شروع شد و بنیاد مسکن به جای ستادهای معین دوره اسکان موقت به فعالیت پرداخت.

سیاستهای مربوط به تکنولوژی ساخت

دوره پس از زلزله را نه تنها فرصت مناسبی برای اجرای طرحهای توسعه و ساماندهی منطقه بلکه به لحاظ نوسازی مسکن و ابنیه تخریب شده، فرصت مغتنمی برای مستحکم سازی و رعایت اصول فنی می‌دانند. در بازسازی منطقه توقع این بود که سرمایه‌گذاری جدید در امر احداث مسکن همراه با به کارگیری اصول فنی و تکنولوژی جدید باشد، زیرا اگر توسعه منطقه مستلزم سرمایه‌گذاری وسیع و آماده‌سازی افراد است، ساخت واحدهای مسکونی جدید به صورت مقاوم در برابر زلزله توجیهی معقول است. در برنامه بازسازی آمده است:

«الف) ارتقای کیفی واحدهای مسکونی و بافت محیط زیست نسبت به شرایط پیش از سانحه زلزله در قالب امکانات مادی دولت و آگاهیهای مردم یکی از اصول مهمی است که مجری در حین هدایت و نظارت بر امور بازسازی مدنظر قرار خواهد داد. چراکه احیای صرف شرایط عادی پیش از سانحه سبب از دست دادن فرصتهای به دست آمده در جهت دگرگونی نسبی الگوهای ساختمانی و مسکن و در نتیجه، عدم ارتقای سطح زندگی و افزایش خطرات آینده خواهد شد. هر چند با توجه به دیگر اصول مطرح در بازسازی، این دگرگونیها بسیار اندک است.

ب) اتخاذ شیوه‌هایی از تکنیک ساخت که در درجه اول هماهنگ با اصول خودکفایی در سطح منطقه و در درجه دوم در سطح ملی می‌باشد، وابستگی تکنولوژی ساخت به سطح ملی و فواید منطقه‌ای نباید به پایین‌ترین حد خود برسد و در غیر این صورت دچار عوارض وابستگی به

خارج از کشور خواهیم شد.

ج) مجری با تهیه ضوابط و توصیه‌های طراحی و اجرایی و همچنین از طریق الگوسازی و کنترل و ارشاد مردم زمینه را برای ارتقای کیفی ساخت مسکن در طی عملیات بازسازی مناطق زلزله‌زده فراهم خواهد آورد.

د) شناخت تواناییهای مردم بومی نقاط آسیب دیده توسط مجری و ارائه روشهای اجرایی منطبق با توان آنها به گونه‌ای که صاحب خانه بتواند با استفاده از کارگران و بنائیان محلی بخش اعظمی از کار بازسازی را خود به عهده گرفته و مدیریت نماید.

ه) پیش‌بینی و ارائه روشهای آموزشی مناسب جهت ارتقای سطح تکنولوژی ساخت در منطقه توسط مجری در طول عملیات بازسازی» (بنیاد مسکن ۱۳۷۰، ص ۵).

این بخش از برنامه با اینکه ظاهراً واقع‌بینانه و به دور از بلندپروازیهای کارشناسی تنظیم شده بود ولی در عمل دستیابی به آن دشوار بود. مهمترین مشکل را باید در عدم تأمین به موقع و مناسب مصالح بومی، گرایش روستائیان به مصرف مصالح غیر بومی، کمبود نیروهای کارشناسی و نیمه ماهر برای اجرای ساختمان و حتی در مواردی نظارت‌های فنی و مهندسی دانست.

منطقه سانه دیده نسبتاً وسیع و شامل استان گیلان، استان قزوین، بخشی از استان زنجان و بخشی از استان آذربایجان شرقی بود. تنوع عوارض جغرافیایی منطقه بسیار محسوس بود. کمبود مطالعات منطقه‌ای و خاصه مطالعات مربوط به مسکن روستایی از جمله خانه‌های چوبی (زگالی) مانع از ارائه طرحها و نقشه‌های مناسب از پیش اندیشیده شده بود، مضافاً به اینکه تهیه مصالح بومی مناسب به میزانی که مورد نیاز بود از مشکلات اساسی به حساب می‌آمد...

واقع‌بینی به گونه‌ای بود که نه تنها سراغ تکنولوژی‌های جدید و دور از دسترس نرفتند، بلکه سعی شد با بهره‌گیری از معماری و مصالح بومی با احداث برخی واحدهای نمونه و به کارگیری برخی اصول فنی مهم در امر مقابله با زلزله (مثل شناژ افقی و عمودی بناها) با موضوع برخورد شود. نبود کارگران ماهر در منطقه از عمده‌ترین محدودیت‌ها بوده و در دوره بازسازی نیز امکان تربیت نیروهای مورد نیاز وجود نداشته است.

سیاستهای مربوط به انتخاب زیربناهای واحدهای مسکونی

D.ir بازسازی در دوره برنامه پنج ساله اول صورت گرفته و در این برنامه دولت واحدهای

مسکونی روستایی را ۵۰ تا ۹۰ متر مربع در نظر گرفته بود. در برنامه بازسازی درباره زیربنا آمده است:

«... با توجه به مطالعاتی که در زمینه مسکن حداقل پذیرفته است، مقدار ۵۰ متر مربع حداقل نیاز یک خانوار با بعد متوسط را برآورده می‌سازد که با توجه به این بررسی و نیز محدودیتها و مشکلات در تأمین و تدارک برخی از مصالح ساختمانی در شرایط فعلی، مبنای محاسبه برای مسکن (حداقل) روستایی ۵۰ متر مربع و شهری ۷۰ متر مربع پیش‌بینی می‌شود که در موارد لزوم و در صورت ضرورت این مقدار تا حداکثر ۹۰ متر مربع برای روستا و ۱۱۰ متر مربع برای شهر افزایش می‌یابد. البته این زیربناها در واحدهای روستایی مختص قسمت مسکونی (انسانی) بوده و در هر روستا به تناسب نوع معیشت فضاهای دامی و انبار در حد کافی باید در نظر گرفته شود، که توسط صاحب خانه و با مصالح محلی احداث خواهد شد» (بنیاد مسکن ۱۳۷۰، ص ۷).

مساحت بناهای قبلی ویران شده در اثر زلزله در روستاهای مختلف و مرتبط با نوع فعالیت و وضعیت اقتصادی خانواده‌های روستایی متفاوت بوده و سهم عمده‌ای از آن به بناهای کشاورزی اختصاص داشته است. سپردن ساخت و ساز این نوع ساختمانها (بخش غیر مسکونی) به خود روستاییان و عدم نظارت فنی و مهندسی در آن با توجه به همجواری و نزدیکی آنها با ساختمانهای مسکونی صحیح به نظر نمی‌رسد.

سیاستهای مربوط به مصالح ساختمانی و تولید آنها

با توجه به برآوردهای اولیه خسارات وارده به واحدهای مسکونی و نیازمند بازسازی (حدود دویست و پنجاه هزار واحد خسارت دیده) ضرورت داشت که از همان آغاز بر مبنای واقع بینی تصمیم‌گیری شود. در شرایطی که کشور از جنگ تحمیلی فارغ شده بود و بازسازی مناطق جنگ اولویت داشت، سیاست‌های مربوط به مصالح ساختمانی به شرح زیر تصویب شد:

«الف) مواد اولیه لازم برای تولید مصالح قابل تهیه در محل باشد.

- تکنولوژی تبدیل مواد به مصالح نهایی دارای پیچیدگی خاصی نبوده و توسط افراد بومی

انجام‌پذیر باشد؛

- کاربری آن برای افراد محلی میسر باشد؛

- تأمین آن برای افراد محلی میسر باشد؛

- تأمین آن هماهنگ با محیط زیست بوده و باعث وارد آمدن خسارت قابل توجه به طبیعت نگردد؛

- تأمین آن اثر نامطلوب در تولید سایر مواد نداشته باشد؛

ب) افزایش تولید مصالح ساختمانی و دخالت در مدیریت توزیع آن به منظور کنترل بازار و جلوگیری از ایجاد بازار سیاه از طریق:

- کمک به راه اندازی صنایع تولید مصالح آسیب دیده؛

- کمک به ایجاد واحدهای جدید تولید مصالح در بخش مردمی؛

- تقویت واحدهای تولید و توزیع مصالح موجود در مناطق آسیب دیده و بالا بردن ظرفیت تولیدی آنها؛

- در صورت ضرورت، ایجاد صنایع تولید مصالح جدید در منطقه؛

- قیمت‌گذاری و کنترل قیمت مصالح در بازار منطقه» (طالب ۱۳۷۳، ص ۷۸).

تنوع جغرافیایی منطقه، تنوع مصالح ساختمانی را مطرح می‌کند، کمبود مصالح مناسب و فقدان برخی از مصالح مناسب در منطقه سبب شد تا به مصالح غیر بومی مثل سیمان و آهن رو آورند، لذا از ابتدا و به رغم ورود آهن در برخی از مناطق در دورهٔ اسکان موقت، روستاها را از ساخت و ساز با تیرآهن معاف کردند. نبود خاک مناسب برای پخت آجر و کمبود شن و ماسه در برخی از مناطق مثل طارم مشکلاتی در امر ساخت و ساز، خاصه استفاده از سیمان، پدید آورد.

سیاستهای طراحی و برنامه‌ریزی

سیاستهای طراحی و برنامه‌ریزی با احترام به هنجارها و عادات جامعهٔ روستایی در برنامه امری قابل انعطاف قلمداد شده و سعی شده است عمده‌ا از تکرار اشتباهات گذشته خودداری نمایند. نکات عمدهٔ برنامهٔ مصوب در این زمینه عبارت بوده است از:

«الف) مناطق زلزله‌زده پویا و دارای تحوّل و تحرّک خواهد بود، دستگاه مجری موظف است در مقاطع مختلف... مسائل مربوط را بررسی و راه‌حلهای مناسب ارائه دهد. به عبارتی برنامه بازسازی به عنوان اصلی غیر قابل تغییر نخواهد بود.

ب) نظام طراحی بر این اصل متکی است: طراحی باید با مردم و همراه آنها انجام شود.

ج) نظام طراحی به آنچه مردم تاکنون انجام داده‌اند، به عنوان یک ارزش به دیده احترام می‌نگرد.

د) نظام طراحی، راه‌اندازی روشهای طراحی گذشته را مورد نظر دارد و هر گونه تحول را متناسب با امکانات موجود و در کنار آن جستجو می‌کند.

ه) نظام طراحی، تحول در این زمینه را در چارچوب اهداف ارزشی اسلام و برخاسته از نیازهای مردم جستجو می‌کند. ساکنان مناطق زلزله‌زده در روستاهای آسیب دیده دارای فطرت پاک و دست نخورده‌اند و در چارچوب روابط اجتماعی و اقتصادی خود توقعات متفاوتی از سطح زیربنا، سطح زمین و طرح دارند. لذا طرح‌های همسان (تیپ) و یکنواخت نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آنها باشد. بنابراین در طراحی مسکن و بافت و استخوان‌بندی طرح‌های قبلی به عنوان یک اصل پذیرفته می‌شود و... نظام طراحی می‌تواند اصلاحاتی تکنیکی را در چارچوب طراحی قبلی مطرح و در اختیار آنها قرار دهد.

و) تجربه بازسازی در سایر نقاط نشان داده است که طرح‌های تجمیع، ادغام و جابه‌جایی بدون دلایل فنی قوی، مردود است» (بنیاد مسکن ۱۳۷۰، ص ۹).

سیاستهای نظام اجرایی

در نظام بازسازی فهرست کارهای انجام شده و فرم‌های مربوط، تدوین و در اختیار ستادهای معین بازسازی گذاشته شده بود. ستادهای معین را، در منطقه، ستادی مرکزی اداره می‌کرد. در این برنامه از تحویل روستاها پس از اعلام وضعیت عادی و... تا اتمام بازسازی مراحل کار مشخص شده است. در این قسمت به کلیات موضوع به اختصار اشاره می‌شود:

پس از ورود ستاد معین در هر منطقه، برای هر منطقه و یا روستا یک مدیر طرح بازسازی انتخاب می‌شود. مدیران نسبت به تنظیم فرم‌های مربوط به تهیه آمار و کروکی‌های مورد نیاز، تکلیف آسیب دیده را مشخص می‌کنند که واحد مسکونی وی نیاز به بازسازی و یا نوسازی و... دارد. برای روستا نیز، به شرحی که قبلاً توضیح داده شد، تعیین تکلیف می‌کنند. پس از تصویب شورای طرح هادی، نسبت به معرفی آسیب دیده به بانک اقدام می‌کنند تا قسط اول را دریافت دارد. سپس فرد خسارت دیده نسبت به تهیه طرح اقدام می‌کند و مدیر بازسازی نظر خود را در این مورد به او اظهار می‌کند. نسبت به تعیین میزان مصالح ساختمانی با توجه به طرح و مجوز مربوط اقدام می‌کنند و او را برای دریافت مصالح به انبارهای ستاد و یا نمایندگان محلی معرفی می‌نمایند. کارلاوره ساخت ساختمان را بازدید می‌کنند و توضیحات فنی را ارائه می‌دهند، در

صورتی که نیاز به آواربرداری باشد بنیاد ترتیب این کار را نیز می‌دهد*.

بررسی‌های میدانی در زلزله رودبار

مشخصات کلی مطالعه انجام شده با هدف بررسی نقش روستاییان در بازسازی مناطق زلزله زده** به شرح زیر است:

- از آنجا که از یک هفته پس از بروز زلزله به طور مرتب منطقه مورد بازدید محقق قرار می‌گرفته، لذا قبل از شروع کار بازسازی اندیشه بررسی وجود داشته است. هدف کلی این بررسی ارزیابی امر مشارکت با محوریت مشارکتهای مردمی بوده است. به عبارت دیگر این بررسی حین اجرای بازسازی صورت می‌گرفت لذا بخشی از موارد ارائه گزارشهای موردی در طول فعالیت اصلاح می‌شد.

- در این بررسی از میان روستاهای تحت پوشش ستادهای معین (۱۷ ستاد) ده درصد روستاها به قید قرعه و به طور کاملاً تصادفی انتخاب شده است. پرسشنامه روستا شامل اطلاعات کلی روستا بوده که با مصاحبه‌های گروهی با رهبران و معتمدان محلی تکمیل شده است. با تهیه فهرستی از خانوارهای موجود روستاهای مزبور ده درصد از آنها انتخاب - شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک با استفاده از فهرست خانوارهای ساکن مستخرج از پرسشنامه روستا - و نسبت به تکمیل پرسشنامه خانوار اقدام می‌شد. لذا در مجموع به ۱۳۳ روستا و ۹۶۳ خانوار مراجعه و با آنها مصاحبه شده است که نتایج مربوط در ۱۸ مجلد در بایگانی مسکن انقلاب اسلامی موجود است.

- روستاهای مزبور در تمام مناطق آسیب دیده از زلزله پراکنده‌اند لذا برخوردهای بنیاد مسکن و ستادهای معین در روستاها بررسی شد.

*. برای آگاهی بیشتر در زمینه خدمات و وظایف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به کتاب ۲۰ سال در خدمت محرومان، از انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مراجعه شود.

** تشریح برنامه بازسازی در مطالعه انجام شده در این زمینه تحت عنوان مشارکت روستاییان در بازسازی نقاط زلزله زده استانهای گیلان و زنجان در ۱۸ مجلد آورده شده است.

نتایج بررسی

۱) ۱۳۳ روستای بررسی شده تا قبل از زلزله ۸۹۳۲۶ نفر جمعیت در ۱۶۰۱۳ خانوار با بعد خانواری در حدود ۵ نفر داشته‌اند. در زمان مطالعه جمعیت این روستاها ۱۰۱۶۹۴ نفر متشکل از ۱۶۱۵۵ خانوار بوده است. ۵۷ درصد روستاها دارای رشد مثبت جمعیت (به دلیل مهاجرت از روستاهای مجاور) ۲۲ درصد روستاها دارای رشد منفی و ۲۱ درصد دارای جمعیت ثابت بوده‌اند. روستاهای اخیر عمدتاً از روستاهای کوچک و نسبتاً دور افتاده نسبت به شهر و جاده‌های اصلی ارتباطی بوده‌اند. روستاهای نسبتاً آباد منطقه گیلان کمتر مواجه با مهاجرت بوده است، در حالی که این پدیده (مهاجرت) در غالب روستاهای منطقه طارم و زنجان مشهود است. بعد خانوارهای بررسی شده ۵/۵ نفر بوده است. تعداد اعضای خانوار از ۱ تا ۱۱ نفر بوده‌اند. بیش از نیمی (۵۲/۱ درصد) دارای ۵ نفر عضو بوده‌اند. خانوارهای یک نفره و دو نفره حدود ۱۳ درصد، و خانوارهای دارای ۸ نفر عضو و بیشتر حدود ۲۰ درصد بوده‌اند.

۲) منابع عمده معیشت روستاییان زراعت بوده (۵۶/۶ درصد)، حدود ۱۵ درصد دامداری و قریب ۲ درصد باغداری و... را منبع اصلی درآمد خود ذکر کرده‌اند. مشاغل کارگری، صنایع دستی، دکانداری و... از دیگر مشاغل عمده روستاییان بوده است. نکته مهم اینکه منابع معیشت تقریباً همه روستاییان حتی کارمندان دولت متعدد و متنوع بوده است.

۳) حدود ۵۳ درصد روستاییان در دوره امداد اولیه در چادر اسکان داده شده‌اند و بقیه به دلیل دور بودن از کانون زلزله در مسکن قبلی خود سکونت داشته‌اند. بررسی رابطه پیوستگی تعداد اعضای خانوار و تعداد چادرهای توزیع شده نشان از نبود رابطه معنی دار دارد. نزدیکی به جاده اصلی، گستردگی فعالیت اقتصادی، وجود رابطه با مسوولان توزیع امکانات را می توان از دلایل این امر دانست.

۴) پس از دوره امداد اولیه، مرحله اسکان موقت مطرح شد. جدول زیر مبین وضعیت مسکن موقت روستاییان بررسی شده می باشد:

شرح	واحد قبلی را تعمیر کرده	واحد مسکونی اصلی را بنا کرده	واحد اسکان موقت را خود ساخته	واحد اسکان موقت را ساخته تحویل گرفته	جمع
فراوانی	۴۶۷	۶۳	۲۷۶	۱۵۷	۹۶۳
درصد	۴۸/۶	۶/۵	۲۸/۶	۱۶/۳	۱۰۰

متوسط مساحت ساختمانهای احداث شده در دوره اسکان موقت، که قرار بود ۱۲ متر مربع باشد، ۲۵ متر مربع بوده است. مساحت مزبور (۱۲ متر مربع) در مواردی که ستادهای معین اسکان موقت را ساخته‌اند رعایت شده است، میانه ۱۴ متر مربع بوده است.

(۵) متوسط بناهای اصلی ساخته شده ۱۰۴ متر مربع، میانه آن ۸۰ متر مربع، و مد مربوط ۱۰۰ متر مربع بوده است. بین تعداد اعضای خانوار و مساحت بناهای ساخته شده رابطه معنی‌دار مشهود نیست. و این مساحت بیشتر از مقداری است که برنامه بازسازی منظور کرده بود.

(۶) مصالح به کار برده شده در دوره اسکان موقت و نیز معماری مربوط اثر زیادی در دوره بازسازی داشته است. دخالت استانداری‌های استانهای مختلف - که به صورت ستادهای معین در منطقه فعالیت می‌کردند - در دوره اسکان موقت، انواع مصالح ساختمانی و معماریهای متنوعی را به روستاها وارد کرده است. در قریب ۳ درصد روستاها آهن و آجر را در دوره اسکان موقت به روستاها بردند. حمل نکردن آهن به روستاها در دوره بازسازی مشکلاتی را برای این دسته از روستا فراهم کرد. در بازسازی ۷ حدود ۲۰ درصد خانه‌ها به صورت زگالی (چوبی)، ۲۱ درصد با استفاده از آجر و سقف چوبی، حدود ۶ درصد آجری با سقف آهن، ۴ درصد بتون آرمه و قریب ۲۴ درصد از سایر مصالح حتی چینه استفاده کرده‌اند. قریب یک چهارم نیز به سؤال جواب نداده‌اند.

(۷) در مورد تعداد اتاقهای احداث شده تفاوت وجود دارد به این ترتیب که متوسط اتاقهای ساخته شده ۳ اتاق، مد مربوط ۲، میانه ۳ اتاق و حداقل یک و حداکثر ۱۱ اتاق بوده است. بین تعداد اتاقهای احداث شده و تعداد اعضای خانوار رابطه معنی‌دار مشاهده نشد.

(۸) در مورد محل احداث بناهای ساخته شده باید گفت، سوای حدود ۴۲ درصد که مساکن قبلی خود را تعمیر کرده‌اند، ۱۶ درصد در جای قبلی، حدود ۲۳ درصد در محوطه حیاط خود، حدود ۱۰ درصد در نزدیکی روستا، و قریب ۸/۵ درصد در جای دیگر اقدام به احداث ساختمان کرده‌اند.

(۹) در مورد زمان ساخت مسکن اختلاف زیادی بین حادثه دیدگان مشهود است به نحوی که بسیاری از برنامه‌های ستادهای معین بازسازی را مورد تردید قرار داده و یا ناممکن کرده است. ۲۳ درصد در همان سال ۱۳۶۹ اقدام به احداث بنای اصلی خود کرده‌اند، قریب ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۰ و بقیه در سال ۱۳۷۱. عدم مراجعه و اقدام همزمان از یک طرف و عدم هماهنگی بین خانوارهای حادثه دیده در هر روستا از طرف دیگر نوعی ناهماهنگی در ساخت و سازها

ایجاد کرده بود. این امر در اجرای نظارت‌های فنی، ارائه مصالح ساختمانی، معرفی به بانکها برای دریافت اقساط بعدی نوعی مشکل تلقی می‌شد.

۱۰) محل دریافت وام غالباً با روستاهای زلزله‌زده فاصله داشته است و با همه تلاشی که برای ایجاد هماهنگی از طریق ایجاد واحدهای سیار به عمل آمد، با این همه بسیاری از مشکلات برطرف نشد. در مورد توزیع وام نظر معتمدان روستاهای بررسی شده، در محل پرداخت وام، در جدول زیر آمده است:

شرح	روستا	سیار در روستا	محل ستاد بازسازی	سیار در ستاد	مرکز بخش	شهرهای نزدیک	بدون جواب	جمع
فراوانی	۱	۲	۱۹	۱	۶۰	۴۰	۱۰	۱۳۳
درصد	۵	۱/۵	۱۴/۱	۷	۴۴/۴	۲۹/۶	۸	۱۰۰

در بررسی انجام شده از خانوارهای آسیب دیده درباره فاصله تا محل دریافت وام، حدود ۲۲ درصد کمتر از ۱۰ کیلومتر، حدود ۱۹ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ کیلومتر، ۲۶ درصد ۲۰ تا ۵۰ کیلومتر، حدود ۶ درصد بیش از ۵۰ کیلومتر ذکر کرده‌اند، بقیه به سؤال مزبور پاسخ نداده‌اند. دفعات مراجعه به بانک یکی از مشکلات اساسی امر بازسازی ذکر شده است. عوامل مختلفی این موضوع را دامن می‌زده است، اشتغالات مختلف کارکنان بانک‌ها، عدم مراجعه منظم و طبق برنامه روستاییان و... موجب گردید که به رغم تلاش استانداری و سایر عوامل، دریافت وام یکی از مشکلات باشد، برای دریافت قسط اول ۳/۲، برای قسط دوم ۲/۸، برای قسط سوم ۳/۱ دفعه، حادثه دیدگان به بانک مراجعه کرده‌اند.

۱۱) درباره توصیه نقشه و یا طرح ساختمان ۳۷/۵ درصد از مصاحبه شوندگان معتقد بوده‌اند که طرح و نقشه ساختمان به آنها توصیه شده و در مقابل ۳۶/۶ درصد از وجود طرح اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و بقیه به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

۱۲) درباره چگونگی ساخت و ساز، ۸۴ درصد اظهار داشته‌اند که بنای مورد نظر را خود با کمک اعضای خانوار و دیگران و استخدام نیروی ماهر ساخته‌اند، قریب ۱۰ درصد سفتکاری ساختمان را به مقاطعه داده‌اند، و ۵/۷ درصد نیز اظهار کرده‌اند که کل ساختمان را به مقاطعه کار واگذار کرده‌اند. در میان این گروه افراد کهنسال و بی‌سرپرستانی وجود دارند که کار ساخت مسکن آنها را بنیاد مسکن به عهده گرفته است.

SID.ir ۱۳۸۰/۳/۳۵ مورد نقش خانوارهای حادثه دیده در احداث ساختمان اصلی، قریب یک پنجم

اظهار داشته‌اند که به طور منظم در ساخت بنای خود شرکت داشته‌اند و حتی نقش بنا و سازنده را نیز خود به عهده داشته‌اند، دیگران در حد تأمین مصالح ساختمانی، حمل و نقل آنها، و انجام دادن کارهای ساده و کارگری ساختمانهای خود نقش داشته‌اند. گروهی که نقش بنایی ساختمان را نیز به عهده داشته‌اند، جمعاً ۴۱۵۶ روز برای خودشان بنایی کرده‌اند، یعنی به طور متوسط برای هر خانوار ۲۱ روز میان به مربوط ۱۱ مد آن ۱۰ حداقل آن یک روز و حداکثر آن ۱۰۰ روز بوده است... پراکنش مربوط ۸۵۶ بوده که نشان تفاوت زیاد نزد این خانوارهاست. ۷۲ خانوار (حدود ۷ درصد) در کار نجاری ساختمانهای خود نقش داشته‌اند، به این ترتیب که اسکلت بنا و احداث سقف و... را خود به عهده داشته‌اند. این عده جمعاً ۱۲۷۸ روز با متوسط ۱۷ روز، و میان ۱۰ روز و مد ۳۰ روز برای خود کار کرده‌اند. قریب یک سوم خانوارها (۳۰۷ خانوار) تأمین نیروی کار ساده ساختمان را به عهده داشته‌اند و نزدیک به ۸۳۷۸۰ روز با متوسط ۲۷ روز و میان ۲۰ روز و مد ۳۰ روز با واریانسی قریب به ۷۸۳ برای خود کار کرده‌اند. بالا بودن عدد پراکنش نشان از تفاوت روزهای کار نزد آنها دارد. محاسبات انجام شده نشان می‌دهد بین زیربنا و نسبت کاری که اعضای خانوار انجام داده‌اند با ۹۵ درصد رابطه همبستگی وجود دارد.

(۱۴) در مورد استفاده از نیروی کار دیگران به صورت مبادله (کار گروهی برای یکدیگر) تفاوت زیادی بین روستاهای بررسی شده وجود دارد. در روستاهای دورتر از شهر و مناطق کوهستانی این همیاری وجود داشته است. در مجموع منطقه ۱۳ خانوار در مجموع ۲۴ روز کار بنایی به شیوه همیاری و مبادله نیروی کار از دیگران استفاده کرده‌اند. متوسط روزهای کار خانوار ۱۸ روز، با میان ۹ روز، و مد ۴ روز می‌باشد. برای کار نجاری ۹ خانوار حدود ۸۰ روز از این شیوه استفاده کرده‌اند. متوسط روزهای کار ۹ روز، برای هر خانوار، با میان ۲ روز و مد ۲ روز بوده است. در زمینه کارگری ساده ۲۹ خانوار کمک دریافت کرده‌اند. جمع روزهای کار ۳۰۰ روز با متوسط ۹ روز برای هر خانوار و مد ۱۰ روز و میان ۹ روز بوده است. همان طور که اشاره شد این وضعیت در روستاهای دور دست تر مشهود بوده است. این دسته از روستاها معمولاً کار احداث مسکن موقت و اسکان دائم را یکجا انجام داده‌اند.

(۱۵) در مورد نظارت فنی ستادهای معین در امر ساخت و ساز مساکن روستاییان، ارتباط سرپرست خانوار حادثه دیده با مسئولان ستاد و مدیر طرح روستای مربوط اجتناب‌ناپذیر بوده است، زیرا از بدو تکمیل فرم شماره یک که وضعیت خسارت وارده را معین می‌کند تا دریافت وام و مصالح ساختمانی و... روستاییان می‌بایست با ستاد معین بازسازی ارتباط داشته باشند. منظور از نظارت فنی، کنترل ساختمان به هنگام پی‌کنی و احداث بنا می‌باشد که طی آن

سازندگان مسکن را با اصول فنی مورد نظر آشنا سازد. از بررسیها چنین برمی آید که حدود ۳۶ درصد از موارد مراجعه کارشناس فنی را ذکر نکرده‌اند و حدود یک پنجم نیز پاسخ این سؤال را نداده‌اند. به نظر می‌رسد افرادی که نسبت به تعمیر واحد مسکونی خود اقدام کرده‌اند و حتی برخی از دیگریانی که اقدام به احداث خانه کرده‌اند، تفاوت زیادی بین مراجعات مکرر مأموران بنیاد قایل نشده‌اند، زیرا کارشناسان امور مختلف را به عهده داشته‌اند. حدود ۴۰ درصد از روستاییان درباره دفعات مراجعه کارشناس اظهار نظر کرده‌اند به این ترتیب که ۷/۲ درصد یک بار، ۹/۷ درصد دو بار، ۱۳/۶ درصد سه بار، ۳/۹ درصد چهار بار، و ۵/۲ درصد نیز معتقد بوده‌اند که کارشناسان پنج بار و بیشتر به محل احداث ساختمان آنها مراجعه کرده‌اند.

۱۶) قریب به دو سوم افراد دارای ارتباط مستقیم و مرتب با ستادهای معین بازسازی بوده‌اند و بقیه از طریق نمایندگان خود با ستاد ارتباط داشته‌اند. با اینکه در زمان وقوع زلزله چند سال از انتخابات قبلی می‌گذرد و از سال ۱۳۶۱ به بعد انتخاباتی برای تعیین اعضای شورای اسلامی ستاد صورت نگرفته است، ولی در هنگام بررسی قریب به سه چهارم روستاها دارای شورای اسلامی بوده‌اند. برخی از اعضای شورا همان انتخاب شدگان قبلی بوده‌اند که تشکیلات اداری، به ویژه بخشدارها، آنها را قبول داشتند و از ارجاع کار به آنها خودداری نمی‌کردند. در استان گیلان در برخی از روستاها بخشداری فردی را از روستاییان برگزیده و به او نام قائم مقام شورا داده بود. در زمان زلزله همکاری و ارتباط با نمایندگان روستاییان برای تهیه و اجرای طرح‌های هادی و طرح‌های تعریض و اصلاح معابر و نیز سایر امور مربوط به بازسازی مورد نیاز اعضای ستادهای معین بود، لذا با همکاری استانداری اقدام به تشکیل کمیته‌های عمران روستایی شد. اعضای کمیته از معمرین روستا بودند که در جلسه‌ای با حضور نمایندگان بخشداری و بنیاد مسکن از بین روستاییان برگزیده شده بودند. این افراد در اجرای طرح‌های هادی و سایر فعالیت‌های عمومی در روستا دارای نقش اساسی بوده‌اند.

خلاصه

از بررسی سه دوره بازسازی مزبور* می‌توان نتایجی را به شرح جدول زیر استنتاج کرد:

شرح	دوره اول: تا ۱۳۴۰	دوره دوم: از ۱۳۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی	دوره سوم: از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون
مدیریت بازسازی	مالک: احداث مسکن و ساختمانهای تخریب شده با بهره‌گیری از کمک مالی دولت و بیگاری روستاییان	دولت: حضور سازمانهای دولتی اعم از نظامی و دولتی برای احداث و بازسازی مسکن تخریب شده از طریق پیمانکاران بخش خصوصی، بدون دخالت روستاییان آسیب دیده	دولت، مردم: مدیریت با دولت و واگذاری برنامه‌ریزی به سازمانی غیر دولتی N.G.O و مدیریت اجرایی آسیب دیدگان
شیوه معماری	تبعیت از معماری محلی با انجام دادن برخی تغییرات جزئی مثل تعبیه در و پنجره مناسب‌تر	تغییر اساسی معماری محلی، تغییر نظام همسایگی، جابه‌جایی مساکن به منظور پرهیز از آواربرداری، سری‌سازی (مدولار) تبعیت مسکن از تعداد افراد خانوار، عدم توجه به کارکردهای ساختمانهای روستایی، ورود مصالح و شیوه ساخت جدید (پیمانکاری)	ارائه برخی نقشه‌ها و طرح‌های مسکن توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، انتخاب نقشه با آسیب دیده‌ها، درجاسازی و جابه‌جایی‌های ضروری به دلیل آواربرداری توسط بنیاد، رعایت نظر روستاییان در بازسازی (رعایت نظام همسایگی، شیوه معماری، ترکیب ساختمان روستایی و... با نظر روستاییان)

*. استثنا نیز وجود دارد مثل منطقه فردوس که کمک روحانیان و دیگران به صورت در اختیار قرار دادن امکانات به زلزله‌زدگان و یاری دادن به آنها برای بازسازی مساکن خود در جای قبلی و یا در منطقه مورد نظر بوده است. برای اطلاع بیشتر به گزارش نظری به... از باقر پرهام در منطقه

<p>تمایل به استفاده از مصالح جدید به دلیل گسترش ارتباط شهر و روستا و نیز کاربرد برخی از آنها در مرحله اسکان موقت، سیاست بازسازی تأمین مصالح ساختمانی مستحکم و مناسب بومی توسط بنیاد بوده است که پای کار تحویل روستایی آسیب دیده بدهد.</p>	<p>استفاده از مصالح غیر بومی توسط پیمانکاران، ورود سیمان، آهن و آجر و... بدون توجه به سازگاری آنها با وضعیت اقلیمی مناطق مختلف روستایی</p>	<p>استفاده از مصالح معمول موجود در روستا</p>	<p>مصالح ساختمانی</p>
<p>تأمین وام‌های بازسازی برای خانوارهای آسیب دیده روستایی که بانکهای دولتی با معرفی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، پرداخت می‌کردند و همین طور بانک کشاورزی که تأمین وام ساختمان کشاورزی را به عهده داشت.</p>	<p>تأمین هزینه‌های بازسازی از طریق عقد قرارداد با پیمانکاران، واگذاری مسکن احداث شده به روستاییان و دریافت هزینه‌های مربوط به طور قسطی چند ساله</p>	<p>کمکهای بلاعوض دولت به مالکان روستاها</p>	<p>تأمین مالی بازسازی</p>
<p>واگذاری ساخت و ساز به روستاییان آسیب دیده و استفاده آنها از سازندگان محلی و همکاری خود، زیر نظر و با نظارت فنی بنیاد مسکن که پرداخت وامهای بازسازی منوط به تأیید فنی این سازمان بوده است.</p>	<p>رعایت صوری نکات فنی و به‌کارگیری سازندگان حرفه‌ای و استفاده از مصالح جدید ساختمانی، عملاً بی‌دقتی در ترکیب مصالح جدید و رعایت نکردن اصول فنی که موجب پایین بودن استحکام این نوع ساخت و سازها شد.</p>	<p>بی‌توجهی به این مقوله به دلیل حضور نداشتن متخصصان و استفاده نکردن از مصالح مناسب</p>	<p>رعایت نکات ایمنی و فنی</p>

مالکیت و حتی تأمین زمین برای ساخت و ساز افراد در صورتی که درجاسازی میسر نبوده، با خود روستاییان بوده است. به همین دلیل در بسیاری از روستاهای آسیب دیده میزان ساخت و ساز مسکن بیشتر از حد تعیین شده - برای دریافت وام - بوده است.	پس از اینکه دولت مسکن را احداث کرد، مالکیت آنها به روستاییان محوّل شد، ولی در ساخت و سازهای سری‌ساز، روستایی امکان احداث مسکن اضافی مورد نیاز خود را نداشت.	در این دوره عرصه و اعیان روستاها تعلق به مالکان داشته است، و زارعان بر اساس نسق زراعی خود، از مسکن روستا استفاده کرده‌اند.	مالکیت مسکن بازسازی شده
علاوه بر تهیه و اجرای طرح‌های هادی برای روستاهای تخریب شده و اصلاح مسیرهای اصلی تأسیسات عمومی و خدماتی روستایی را بخشهای مختلف دولتی احداث کرده‌اند.	دولت با استفاده از همکاری بخش‌های مختلف به بسازسازی و احیای سازمانهای قبلی اقدام می‌کرد.	با توجه به محدودیت اینیه عمومی مالک با استفاده از همکاری روستاییان به تعمیر و یا بازسازی آنها اقدام می‌کرده است.	احداث بناهای عمومی

برخی از برنامه‌ریزان وقوع زلزله را فرصت مغتنمی برای حرکت به سوی توسعه می‌دانند، خصوصاً زمانی که نوسازی روستاهای ویران شده را دولت و یا منابعی بیرون از روستا به عهده می‌گیرد. تخریب روستا و بازسازی آن می‌تواند نقطه عطفی برای اجرای برنامه‌های نوسازی باشد، مشروط بر اینکه ابعاد مختلف توسعه نیز مدنظر قرار گرفته و با تغییر فکر و نگرش روستاییان نیز همراه باشد. تجربه بازسازی در جامعه روستایی ما بیشتر نشان دهنده دیدگاه فیزیکی و ساده انگارانه مسوولان بازسازی بوده است. در دوره دوم بازسازی با تغییر معماری و نظام همسایگی و حتی مصالح ساختمانی، تغییری در نظام سکونت پدید آوردند که به دلیل عدم انطباق با واقعیت زندگی روستایی مشکل آفرین شد. این گروه از مسوولان از این نکته غافل بودند که اولاً عوامل تولید، شیوه تولید و مناسبات قبلی تغییری نکرده و ثانیاً افراد که کنشگران

واقعی توسعه هستند، سوای تحمل خسارات و مشکلات ناشی از فوت و یا مصدومیت اعضای خانواده و خویشاوندان خود، تغییرات متناسب توسعه را نیافته‌اند. انجام دادن تغییرات بنیادی در ساختار فیزیکی روستا مستلزم برنامه ریزی منطقه‌ای و ساماندهی است که ابزار این کار در دست مسؤولان بازسازی نبوده است.

مطالعات انجام شده در مناطق زلزله زده در دوره دوم، یعنی پس از اصلاحات ارضی، بیشتر مؤید انگیزش و جهت دادن به روستاییان به سوی مهاجرت بوده است. مهاجرتی که بخشی از آن ناشی از ارتباط فشرده‌ای است که در دوره امداد زلزله زدگان بین شهر و روستا پدید می‌آید.

در بازسازیهای انجام شده تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برای روستاییان حادثه دیده نقشی جز نظاره بر امر نوسازی و بازسازی در نظر گرفته نشده بود. نه از آنها نظر می‌خواستند، و نه آنها را به بازی می‌گرفتند. اشتباهی که معمولاً مسؤولان و مأموران بازسازی با آن مواجه می‌شوند، توهم از هم پاشیدن نظام و ساختار اجتماعی منطقه آسیب دیده است. تصور آنها این بوده که همانند تخریب ساختارهای فیزیکی منطقه، ساختار و نظام اجتماعی نیز از بین رفته است. ظواهر امر نیز سبب چنین غفلی می‌شود، زیرا غیبت مردم از منطقه به دلیل درمان خود و یا رسیدگی به اعضای خانواده و یا گرفتاری برگزاری مراسم کفن و دفن و عزاداریهای معمول و یا حتی راندن غیر ارادی آنها به بهانه اسکان موقت از منطقه، حضور آنها را به نمایش نمی‌گذاشته است. در دوره بازسازی گروهی پیمانکار و کارگر ماهر و... از شهرها و روستاها سرازیر و زیر نگاههای متعجب، پرسشگر و ماتم‌زده روستاییان مشغول ساخت و ساز می‌شدند. گروه تازه وارد، دارای کارگاه جداگانه، زندگی جداگانه، آشپزخانه جداگانه و... بودند و معمولاً ارتباطی با روستاییان نداشتند. این موضوع خاص دولت نبود بلکه زمانی که روحانیان و کمک‌کنندگان از مناطق دیگر برای بازسازی به روستاها می‌آمدند، کم و بیش همین شیوه، یعنی واگذاری کار به پیمانکار را پیش می‌گرفتند (زلزله بوئین زهرا و فردوس و طبس)*. با عنایت به لطمه‌ای که ساختار اجتماعی منطقه بر اثر زلزله می‌بیند، بعد از مدتی کوتاه و با توجه به میزان لطمه‌ای که متحمل شده التیام می‌یابد و موجودیت خود را باز می‌یابد. لیکن این موضوع در محاسبات و

*. دوزج در بخش خرفان یکی از نمونه‌های این روستاست. با اینکه این روستا را هلندی‌ها و به عنوان روستای نمونه و با صرف هزینه گزاف و تأسیسات مورد نیاز عمومی ساخته شده است. با این همه در حال حاضر با زحمت فراوان می‌توان ترکیب قلی ده را بازساخت. از آنجا که خانه‌ها محکم و استوار ساخته شده‌اند ولی معیشت روستاییان بافت و ساختار دیگری از آن را ارائه داده است.

معادلات مسؤولان بازسازی جایی نداشته است. این نحو برخورد یا غیر بومی کردن بازسازی عوارضی به شرح زیر را به همراه داشته است:

- بودجه تخصیص یافته به بازسازی و نوسازی جذب روستاها نمی شود. مصالح عمده ساختمانی، نیروی ماهر و نیمه ماهر، پیمانکار، در و پنجره و... همه از شهرها آورده شده اند، لذا اگر بازسازی رونقی به لحاظ اقتصادی ایجاد می کند، در شهرهاست و نه در روستاها.

- در مواردی که از روستاییان حادثه دیده به عنوان کارگر ساده استفاده می شود، با این کار پدیده مزد کارگری به شیوه شهر در روستا مطرح می شود، و این کار جرعه مهاجرت را در اذهان روستاییان می زند. موضوع روابط نزدیک و چهره به چهره در روستا و سر در آوردن از کار یکدیگر و دیگران، باعث آگاهی از مزد دیگر کارگران، خاصه گچ کار و یا سیمانکار و... می شود و روستاییان از نزدیک و به چشم خود می بینند که چگونه افراد با ۸ ساعت کار در روز، مزدی می گیرند که در مقایسه با درآمد سالانه آنها از کشاورزی، بسیار اغواکننده است.

- این شیوه ساخت و ساز (پیمانکاری) موجب گران تمام شدن مساکن احداثی می گردد، و این هزینه ها را باید بعداً روستاییان به اقساط بپردازند، استفاده نکردن از نیروی کار روستاییان نوعی هدر دادن امکانات محسوب می شود.

- استفاده نکردن از روستاییان و به کارگیری آنها از یک طرف و مشخص نکردن مسکن هر حادثه دیده در حین ساخت و... موجب می شود تا از مصالح و وسائلی که از خوابه های سابق بازیافت شده است، نتوان استفاده کرد.

- روستاییان به سادگی از منطقه قبلی و مساکن خود دست برنمی دارند و با فراهم آوردن برخی از مصالح بعداً به احداث آن طبق نیازهای خود اقدام می کنند و اگر جابه جایی روستا به دلایلی مورد پذیرش مردم روستا قرار نگیرد از انتقال به آنجا خودداری می کنند.

- اندازه و ترکیب واحد مسکونی هر خانوار مرتبط با میزان زمین و فعالیت های خانواده است، مسؤولان بازسازی معمولاً تعداد اعضای خانواده (اعضای موجود) را ملاک توزیع و واگذاری واحدهای احداثی در نظر می گیرند، در حالی که مسائل دیگری در این میان نقش دارند، از جمله امکانات تولیدی، میزان فعالیتها، سنین فرزندان و امکان گسترش آتی خانواده و...

- نظام همسایگی در جامعه روستایی با عاملی چند شکل گرفته اند. غالب روستاها دارای محلات متعددی است که هر محله محل زندگی طایفه و یا قومی خاص است و دارای نوعی استقلال نسبی است (مثلاً مسجد خاص خود را دارد). در مجموع کارکردهای نظام همسایگی دارای چنان اهمیتی بوده که نمی توان آن را با قرعه تعیین کرد.

- هر یک از اتاقهای ساختمانهای روستایی دارای کارکردهای متعدد و گاه مختلفی است. اندازه و ترکیب اتاقها با ترکیب فعالیتهای مختلف کشاورزی و گسترش آبی ارتباط دارد. فرهنگ مسکن چند اتاق خوابه، با جامعه روستایی که هنوز ساختار اصلی فعالیت آن را زراعت سنتی تشکیل می‌دهد، مشکل ساز است به گونه‌ای که بعضاً انبار، آشپزخانه و محل استقرار دامها اهمیتی کمتر از اتاق نشیمن خانوار ندارد.

- گسترش آبی اتاقها و ساختمانهای روستایی یکی از کارکردهای مهم واحد مسکونی روستایی است. گم شدن ترکیب و محل استقرار خانه‌های ساخته شده در منطقه بوئین زهرا گواه خوبی بر بی توجهی سازندگان خانه‌های روستایی به این موضوع، بعد از زلزله، حتی خارجی‌ها بوده است. معمار و شهرسازی که در نقد بازسازی بوئین زهرا تلویحاً به روستاییان ایراد می‌گیرد که ترکیب روستا را به هم زده‌اند، از همان گروه معمارانی است که روستاها را چون شهرها می‌بینند و می‌خواهند و اگر صد بار دیگر لازم باشد آن را بازسازی کنند بدون عنایت به مردم، ترکیب معیشت، فرهنگ و باورهای آنها و... هنوز هم مثل قبل می‌سازند و اگر مردم آن را نپذیرند، متهم به بی‌سوادی و... می‌شوند.*

در دوره دوم بازسازی، انتخاب روستاها برای بازسازی تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است: نزدیکی به شهر، جمعیت روستا، وجود افراد بانفوذ در تشکیلات دولتی، و... بنابراین دسته‌ای از روستاها به هنگام بازسازی یا فراموش می‌شدند و یا کار در آنها با تأخیر شروع می‌شد و یا اینکه کار بازسازی به پایان نمی‌رسید... این روند باعث گسترش روستاهای نزدیک جاده‌های عمومی و یا شهرها می‌شود و معمولاً روستاهای دوردست‌تر به رغم داشتن جمعیت معتدبانه کمتر از این کمکه استفاده می‌کنند.

به رغم مسائل و مشکلاتی که در بازسازی‌های انجام شده با دخالت دولت وجود داشته

* امری که به شهرسازان و معماران مشتبه شده است این است که با نوسازی و با بازسازی منطقه‌ای مردم باید متناسب ساختار فیزیکی شوند و کمتر مایل‌اند که ساختار فیزیکی خودساخته را متناسب فرهنگ مردم بسازند. معماری که تغییرات داده شده در نقشهای اولیه یکی از روستاهای منطقه بوئین زهرا را به نقد نشسته بود، از به هم زدن ترکیب خانه‌ها و اتاقهای ساخته شده ایراد می‌گرفت، معتقد بود که مردم فرم را خراب کرده‌اند، در پاسخ به سماع‌شان رسید که فکر نمی‌کنید ساختار اولیه بدون در نظر گرفتن ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی روستاییان بوده است. معمار و طراح در آن زمان فکر نکرده است که اگر بخواهند اتاقها را توسعه دهند و مثلاً برای پسرشان زن بگیرند، او را کجا جای دهند؟ آیا فکر نکرده‌اند که در صورت توسعه کار کشاورزی و افزایش تعداد دام‌ها چه کنند؟ عدم شناخت واقعیت زندگی روستاییان و دگرگونی‌های آنی موجب می‌شود تا آنچه کارشناسان که از نظرات مردم استفاده نمی‌کنند، می‌سازند، چنین نایجی دربی داشته باشد.

است، تنها مزیتی که می‌توان از آن انتظار داشت، "مستحکم‌سازی" و "به‌کار بردن اصول فنی و مهندسی" در ساخت مساکن و ابنیه روستایی بوده است. واگذاری امر ساخت و ساز به پیمانکاران و سستی و کم‌توجهی در نظارت‌های فنی، و استفاده از شن و ماسه‌های نامناسب و... از اموری هستند که بالقوه می‌تواند این انتظار را منتفی کند. وقوع زلزله‌های بعدی خاصه در جنوب خراسان به خوبی نشان داد که این انتظار و توقع نیز بی‌مورد بوده است و به رغم استفاده از برخی از مصالح مناسب مثل سیمان و تیر آهن، به دلیل استفاده نکردن از نیروی متخصص و دانش فنی نه تنها مساکن احداثی ویران شد بلکه به دلیل به‌کارگیری مصالح غیر بومی و اتصالات نامناسب متأسفانه خسارت جبران‌ناپذیری را به جامعه روستایی تحمیل کرد.

بازسازی مناطق زلزله‌زده رودبار و گیلان که با استفاده از شیوه جدید بازسازی و با مشارکت روستاییان آسیب دیده از زلزله صورت گرفت، تجربه تازه‌ای بود که از بعضی جهات واجد اهمیت و اعتبار بود از جمله احداث حدود ۲۰۰ هزار مسکن تخریب شده و یا حادثه دیده ظرف مدتی حدود دو سال، یکی از دستاوردهای این شیوه است که تفصیل آن در گزارش‌های مطالعاتی مربوط آمده است.

مآخذ

- اشرف، احمد (۱۳۴۷)، *جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۰)، *برنامه بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان*، آرشیو بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- پرهام، باقر (۱۳۴۹)، *نظری به اقدامات نوسازی در منطقه زلزله‌زده خراسان جنوبی*، بخش جامعه‌شناسی سیاسی (مطالعات شهری) مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پرهام، باقر (۱۳۵۵)، *نامه علوم اجتماعی*، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دوره دوم، شماره دوم.
- خانی، فضیله (۱۳۶۹)، *بهسازی روستایی و نقش آن در روند توسعه روستایی ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر مهدی طالب.
- زاهدی، محمد جواد (۱۳۵۱)، *ارزیابی زلزله کباف کرمان*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- شهبازی، اسماعیل ()، *زلزله سال ۱۳۳۷ در نهاوند*، فصلنامه فرهنگی اقتصادی و اجتماعی فرهنگیان، سال دوم شماره ۷ ص ۲۸.
- طالب، مهدی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی توسعه روستایی در ایران*، در دست انتشار.
- طالب، مهدی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی اعتبارات روستایی*، وزارت جهاد سازندگی.
- طالب، مهدی (۱۳۶۴)، *شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران*، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۱، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی و همکاران (۱۳۷۳)، *مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۷۸)، *بیست سال در خدمت محرومان*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- گزارش ستاد حوادث غیر مترقبه کشور (۱۳۷۱)، وزارت کشور، گزارش عملکرد.
- Katayama Tsunco (1994) *International Decade for Natural Disaster Reduction: Working against Time*, Tokyo: The United Nations University.

- United Nations (1993) *Public/Private Partnerships in Enabling Shelter Strategies*. Nairobi: Centers for Human Settlements (habitat).
- Schubeler Peter (1996) *Participation and Partnership in Urban Infrastructure Management*, published for Urban Management Programme by the World Bank Washington.D.C.
- J. G. (1992) Logic of Self-help and Participation, Proceeding of TOKYO forum, . *Cooperative Research Forum*. JAPAN p.23-41.
- Hays, Walter (1991) Seismic Zonation and Vulnerability Assessments: Initiatives to Reduce Risk in the Mediterranean Region, in, *Fourth International Conference on Seismic Zonation* Vol. 111.